

## متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز و سپاس بابت وقتی که می گذارید: اگر امکان داشته باشد با مطالعه قسمت اول نوشته ام در مورد سوال شماره ۱ و ۲ نظرتون را بفرمایید. انسان دارای عالم دینی که برای هر عمل در زندگی خود حدگذاری بنام عالم دینی و وجدان دارد، وانسان بعدی گرفتار وجه افراطی و گشتلی زندگی دنیایی، که تکنولوژی افراطی او را دچار چندپارگی شخصیت کرده. اکثریت جامعه با انسان اول را با یک فتوا می توان به نظم آورد و جامعه با انسان دوم را نه، شاید با قانون و اجبار و زور. ما باید سالها قبل با تربیت انسان دارای عالم دینی، انسانی در نظام اسلامی تربیت می کردیم که براساس عالم خود ابزار زندگی را بسازد و یا با ورود سیل آسای تکنولوژی غربی آنچه که مزاحم عالم خود یافت پس می زد. حال ما با دو موضوع طرف هستیم یکی انسان خارج از عالم دینی و دیگری قشر دینی جامعه که شاید آنطور که باید با بیان توصیه و اخلاق و احکام کشش جذب نظم آوری فرد خارج شده از عالم دینی را نداشته باشد مگر مواردی خاص. پس آنچه در اینجا از همه مهمتر است ساخت عالم دینی برای انسانها نه صرف دانش و علم و ساخت انسان دارای عالم دینی است که بوسیله ی آنها بتوان جامعه دینی ساخت نه با قانون و... ۱. آیا این بیان صحیح است؟(حال آنچه برایم سوال بزرگی است اینکه جدای از صحبت سبک زندگی قدیمی ها و اینکه ما دیگر نمی توانیم مثل آنها زندگی کنیم اما آن فضای گفتاری، رفتاری و زندگی آنها که شاید بتوان نام داشتن ملکه ی ترس از خدا را برایش گذاشت، باید ما در امروز مان داشته باشیم، اگر مراحلی در نظر بگیریم اول تربیت انسان دینی و دوم ساخت تمدن توسط این انسان، ساخت این انسان چگونه است؟ آیا می توان روال بیان شده داخل گیومه را برای ساخت انسان دینی بیان کرد؟ «سختی های آخر الزمانی امروزین ما همچون شاخصی تعیین کننده هر روز مقابل ما قرار گرفته و ما را مجبور به انتخاب می کند و انتخابی که ظرفیتهایی درون انسان برای برگشت به اصل ایجاد می کند، خداوند آگاه به این ظرفیتهای هر از چند گاهی با تجلی بزرگی در جامعه مثل انقلاب اسلامی و... در ایام الله ها رخ نموده و ظرفیتهای ایجاد شده را جواب داده و نیکان روزگار آشکار شده، و تا رسیدن تعداد نیکان به حد نصاب در علم خدا پس سنت خداوند مبنی بر خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه خودشان تغییر کنند، جاری شده و خداوند می آید و با تحول درون انسانها، آنها خدا ترس می شوند (در سطح اجتماع)» ۲. در بحث دانش بنیان، اینکه ما نیاز داریم که مسئول ما، مخترع ما، کاشف ما، فن آور ما، انسانهای دارای عالم دینی باشند که در موقع اجرا مسولیت و کارش آنچه از درون عالم خود می یابد ظهور دهد، آیا برنامه امروز ما برای اینکه فرمایش رهبری مبنی بر دانش بنیان درست برداشت شود که بسط تمدن غربی

نباشد و گرفتار گشته‌ها نشود چیست؟ در یک جمله دانشی که در دانش بنیان مطرح است، چگونه دانشی است؟ ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مطالبی که می‌فرمایید نیاز به دنبال کردن نکات مفصلی دارد. در مورد مطلب اول، آری! به نظر بنده درست است و در رابطه با دیگر مطالب، پیشنهاد می‌شود اولاً: سری به جزوه <https://lobolmizan.ir/leaflet/1005> تحت عنوان «انقلاب اسلامی و فهم امام خمینی از انسان و جهان مدرن» بزنید. ثانیاً: جواب سؤال شماره ۳۲۹۹۰ می‌تواند از جهاتی راهگشا باشد. موفق باشید